

## سیمای اهل بیت (ع) در شعر وحشی بافقی

سمیه حسنعلیان<sup>۱</sup>

### چکیده

وحشی بافقی شاعر نامدار دوره صفویه اغراض مختلف شعری را در دیوان خود جای داده است. آن چه در این میان جلوه‌گری می‌نماید قصایدی است که شاعر آن‌ها را به اهل بیت (ع) اختصاص داده است. از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی قصاید شاعر در مدح یا رثای اهل بیت همام (ع) پرداخته است.

مهم‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر این حقیقت است که وحشی به خاندان اهل بیت (ع) ارادت خاصی داشته و قصاید جداگانه‌ای را به مدح یا رثای ایشان اختصاص داده است. او با زبانی بسیار زیبا و دلنشین به توصیف ایشان پرداخته و به ویژگی‌هایی چون شأن و منزلت آن بزرگواران، عدالت، شجاعت، محبت و مهربانی اشاره دارد.

واژگان کلیدی: وحشی بافقی، اهل بیت (ع)، مدح، رثا

### ۱- مقدمه:

بزرگی و عظمت اهل بیت رسول خدا (ص) شاعران بسیاری در دوره‌های مختلف تاریخی را بر آن داشته تا قلم در مدح و ستایش ایشان بر صفحه رانده و اشعار زیبایی را بر زبان جاری سازند که به نوعی تعهد و التزام و نیز ارادت شاعران به آن بزرگواران را نشان می‌دهد.

در میان دوره‌های تاریخی که به تشیع بسیار اهمیت و مجال بروز داده شد دوره صفویه است. در عهد صفوی «کمتر شاعری را می‌توان یافت که قصیده یا ترکیب و ترجیعی در ستایش پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه نسروده باشد. چنین به نظر می‌آید که شاعران، این کار را زکات طبع و قریحه خود به شمار می‌آوردند و از گزاردن آن به عنوان یک وظیفه محتوم دینی، غفلت نداشتند» (صفا، ۱۳۸۷، ۱: ۶۲۴)، چه بعد از استقرار صفویان و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران، زمینه ایجاد و انتشار مدح و رثا بیش از پیش فراهم شد و بازار منقبت‌گویی و مرثیت‌سرایی و به طور کلی سرودن هر نوع شعر مذهبی رونقی تمام یافت و دربارهای پادشاهان که تا این زمان شعر و هنر و علم و ادب را برای تبلیغ حشمت و شوکت و قدرت خویش، بهترین وسیله از وسایل رسانه‌های گروهی می‌شمردند، همین کار را از راهی و به روشی دیگر در پیش گرفتند. سرانجام در عصر صفوی کار شعر و شاعری و رسم تألیف و تصنیف تا حدی زیاد، گونه‌ای دیگر گرفت و از هر سوی، شاعران و نویسندگانی پیدا شدند که دیگر برای ادامه کار خویش چندان به دربارها و دستگاه‌های حکومتی در مدح‌گستری امید نمی‌بستند و ظاهر آن است که در این دوره به مناسبات عدیده با رفاه نسبی که پدید آمده بود، اهل فضل و کمال هم بیشتر شدند. و از همین زمان است که دیوان‌ها و کتب و رسائل در مناقب معصومان و مرثی شهبندان کربلا و فضائل و بزرگ‌منشی‌ها و خلیقات پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) پرداخته آمد (طغیان، ۱۳۸۵، ۱۵-۲۵).

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان shassanalian@yahoo.com

از شاعران برجسته این دوره وحشی بافقی را می توان نام برد که دارای دیوان شعری است. و بیشتر اشعار وی در حیطه شعر غنایی قرار می گیرد که این نوع شعر «به دلیل دو عنصر احساس فردی و موسیقی از آغاز مورد توجه بوده است. شعر غنایی عالم انعکاس عواطف شخصی انسان است. همه تجربه های شاعر وقتی از صافی ذهن و عاطفها او درمی گذرند مفاهیم ادب غنایی را می سازند از این منظر بر خلاف حماسه که شاعر در خلال آن تنها نقش یک راوی حقیقت گو را ایفا می کند در ادب غنایی بیش تر هاتف درونی روح و اندیشه شاعر است که رشته سخن را در دست دارد» (عبادیان، ۱۳۷۹، ۲۹).

از این رو پژوهش حاضر به تبیین سیمای اهل بیت (ع) در دیوان وحشی بافقی همت گماشته است. روش مورد استفاده در مقاله توصیفی - تحلیلی است که بر یافته های عقلی متکی است و نیز از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

در مورد پیشنه تحقیق نیز گفتنی است اگر چه تحقیقاتی چند در مورد وحشی صورت گرفته ولی به تحقیقی در این موضوع دست نیافتیم.

## ۲- وحشی بافقی و شعر او درباره اهل بیت (ع)

شاعر مورد بررسی دارای دیوان شعری مشتمل بر بیش از نه هزار بیت است که شامل قصیده، ترکیب بند و ترجیع بند، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی است (۱۳۷۳، ۶).

با نگاهی گذرا به دیوان می توان دریافت قصاید وی بیشتر در مدح شاه طهماسب، غیاث الدین محمد میران، شاه خلیل اله، بکتاش بیک افشار، اعتماد الدوله عبدالله خان است. و نیز چندین قصیده در مدح ائمه اطهار (ع) را شامل می شود که ماده اصلی مقاله حاضر است. چه مدیحه ها نمونه ای از شعر منعهد اسلامی است که شاعران مسلمان به ویژه سراینگان شیعی در مدح حضرت علی (ع) و دیگر امامان سروده اند این آثار تندیس های بلند حماسه و اعتقاد و تعهد است (حکیمی، ۱۳۶۴، ۲۷۳).

در مثنوی فرهاد و شیرین نیز بعد از راز و نیاز به درگاه الهی به مدح رسول خدا (ص) و شاه ولایت امام علی (ع) می پردازد.

جدول زیر اشعاری که درباره اهل بیت (ع) در دیوان وحشی یافت می شود نشان داده شده است:

شخصیت	تعداد	تعداد	موضوع	قالب
پیامبر اکرم (ص)	۱	۲۳	مدح	چکامه
امام علی (ع)	۷	۲۹۷	مدح	چکامه
امام حسین (ع)	۱	۵ بند ۷ بیتی	رثا	ترکیب بند
امام رضا (ع)	۱	۳۴	مدح	چکامه
امام عصر (عج)	۱	۴۰	مدح	چکامه

البته قابل ذکر است در جدول فقط به اشعاری اشاره شده که به صورت مستقل در مدح یا رثای اهل بیت (ع) در دیوان وحشی آمده است. مثلا در مورد رسول خدا (ص) تنها یک قصیده به صورت مجزا در مدح ایشان وجود دارد ولی ابیاتی نیز به صورت پراکنده نیز در ستایش ایشان وجود دارد مثلاً در ابتدای هر دو منظومه ناظر و منظور و فرهاد و

شیرین بعد از ستایش خداوند و راز و نیاز با او ابیاتی به ستایش پیغمبر (ص)، ماجرای معراج و بیان ویژگی های حضرت اختصاص داده است.

### ۳- سیمای اهل بیت (ع) در شعر وحشی بافقی:

در این بخش از مقاله به تصویری که وحشی بافقی از اهل بیت (ع) ارائه می دهد اشاره می شود تصویری که بر اساس مدح و ستایش آن بزرگوارن بوده و یا در رثای ایشان است.

#### ۳-۱- پیامبر اکرم (ص):

در واقع ستایش رسول خدا (ص) تاریخچه ای بس طولانی دارد و از همان زمان حیات ایشان شروع شده است. اگر حضور پر رنگ آن حضرت در زندگی مسلمانان از کمترین چیزی حکایت کند بدون شک آن جاودانه بودن رسالت و ادامه یافتن راه و رسم و سنت ایشان است. کم تر شاعر مسلمانی را می توان یافت که به مدح ایشان نپرداخته باشد و یا از ایشان در شعر خود یاد نکرده باشد و بدون شک وحشی بافقی از این امر مستثنی نیست.

از نکات مهمی که وحشی در شعر خود در مدح رسول خدا به آن ها اشاره دارد موارد زیر را می توان نام برد:

#### • حدیث «لولاک»:

شاعر با توجه به حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الأفلاک» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ق، ۱۵: ۲۸) این گونه سروده است:

خدایو عالم جان شاه «لولاک» مقیممان درش سگگان افلاک

(۴۴۰)

#### • توسل و شفاعت:

توسل به مقام بالای حضرت رسول اکرم (ص) با توجه به منزلت و شأن ایشان در نزد خداوند متعال می تواند مشکل گشا بوده و حل مناسبی برای بسیاری از مشکلات باشد، و شاعر در شعر خود به آن حضرت متوسل شده و از ایشان یاری می طلبند:

چرا نمی طلبی مهر در ز بهر وجود که هست زینت بحر جهان به گوهر پاک

محمد عربی منشاء حکایت کن که کرده زیب قدش را به جامه لولاک

(۱۹۵)

و با توجه به این که ایشان در روز قیامت از مقام شفاعت برخوردار بوده و بنا بر احادیث وارده از حضرت ایشان خود دستگیر یاران و دوستان و محبان خود خواهند بود شاعر با پیشکش کردن شعر خود به ساحت مقدس حضرت رسول (ص) خواستار شفاعت ایشان گشته اند:

به سوی من نگر از لطف یا رسول الله

شود چو چشم پرآبم هزار کشتی غرق

در آتشیم چو وحشی ز سوز سینه ولی

سحاب لطف بباران به ما سیه کاران

(۱۹۶)

• بخشش:

بخشش و فضل رسول خدا (ص) مسئله ای که بر کسی پوشیده نیست تا جایی که در قرآن از ایشان به عنوان پیامبر رحمت یاد شده است: « وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ » [انبیا ۲۱: ۱۰۷] و شاعر با آگاهی از این لطف ایشان را این گونه خطاب می کند:

جهانیان ز عطایت چنان شدند سخی که نیست در دگری جز مه صیام امساک

(۱۹۵)

• معراج:

یکی از درون مایه های شعر وحشی در توصیف و مدح رسول خدا (ص) به قضیه معراج حضرت مربوط است که شاعر به شیوایی در آن قلم رانده است. از رخدادهای مهم زندگی حضرت رسول (ص) موضوع معراج است که از زیباترین صحنه های زندگی ایشان می باشد که بسیاری را به شگفتی و تعجب واداشته است. «عروج رسول اکرم (ص) که در نگاشته های منظوم و مثنوی فارسی «معراج» نامیده می شود شامل دو قسمت به هم پیوسته و دو عنوان است که قسمت نخستین را «اسراء» می خوانند و قسمت دوم را که دنباله قسمت نخستین است معراج. اسراء بردن رسول است در شب از مسجد الحرام تا بیت المقدس که در نخستین آیه از سوره اسراء از آن یاد شده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» پاک و منزله است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.» [اسراء ۱: ۱۷]، اما معراج در لغت «بر وزن مفعال است آلت است یعنی آلت صعود و عروج مثل نردبان و شبه نردبان، به معنای نردبان و وسیله عروج است، بردن رسول خدا است از بیت المقدس به سوی آسمان و رؤیت آیت کبری» (ابن منظور، «عرج»).

شاعر در ابتدا آن شب را این گونه وصف می کند:

شب‌سوی روشن‌تر از سرچشمه نور	رخ شیب در نقاب روز مستور
دمیده صبح دولت آسمان را	ز خواب انگیخته بخت جوان را
به شک از روز مرغان شب آهنگ	خزیده شیپره در فرجه تنگ
میان روز و شب فرق آنقدر بود	که هر سیاره خورشید دگر بود
شد از تحت الثرا تا اوج افلاک	همه ره چون دلی از تیرگی پاک

(۴۴۰)، وحشی به مرکب پیغمبر (ص)، براق نیز اشاره داشته است گویند براق<sup>۲</sup>: «در سنت اسلامی، نام مرکبی آسمانی است که محمد پیامبر آیین اسلام در سفر شبانه خود معراج، مسیر بین مسجدالحرام در مکه تا مسجدالاقصی را با آن پیمود» (دانشنامه بزرگ اسلامی):

۲ پیغمبر (ص) فرمود: «براق مرکبی بود مانند اسب از الاغ بزرگتر از قاطر کوچکتر رویش چون روی آدمیان و دمش چون دم شتر و مویش چون یال اسب و دست و پایش مانند دست و پای شتر بلند و سم های او چون گاو و سینه اش چون یاقوت سرخ و پشتش چون در سفید و زینتی از زینت های هشت بر وی نهاده بودند. او دو بال و پر داشت که چون پر طاووس حرکتش مانند برق بود و بین دو چشمش نوشته شده بود: لا إله إلا الله محمد رسول الله علي ولي الله» (شیخ صدوق، 1362، 275).

رهی آراسته از عرش تا فرش  
براقی گرمی برق از تکش وام  
براقی جسته بر فرش از در عرش  
ز فرشش تا فراز عرش یک گام  
ندیده نقش پا چشم گمانش  
نسوده دست وهم کس عنانش  
به مغرب نعلش از خوردی به خاره  
به مشرق بود تا جستی شراره  
ازین روی زمین بی زخم مهمیز  
بر آن سوی زمین جستی به یک خیز

(۴۴۰)

● معجزه شق القمر:

از معجزات حضرت رسول اکرم (ص) شق القمر است که بنا به درخواست جمعی از سران قریش و مشرکان مانند ابو جهل و ولید بن مغیره و عاص بن وائل و دیگران انجام شد، بدین ترتیب که آن‌ها در یکی از شب‌ها که تمامی ماه در آسمان بود به نزد رسول خدا (ص) آمده و گفتند: اگر در ادعای نبوت خود راستگو و صادق هستی دستور ده این ماه دو نیم شود! رسول خدا (ص) بدانها گفت: اگر من این کار را بکنم ایمان خواهید آورد؟ گفتند: آری، و آن حضرت از خدای خود درخواست این معجزه را کرد و ناگهان همگی دیدند که ماه دو نیم شد به طوری که کوه حرا را در میان آن دیدند و سپس ماه به هم آمد و دو نیمه آن به هم چسبید و همانند اول گردید، و رسول خدا (ص) دو بار فرمود: «اشهدوا، اشهدوا» یعنی گواه باشید و بنگرید! مشرکین که این منظره را دیدند بجای آنکه به آن حضرت ایمان آورند گفتند! «سحرنا محمد» محمد ما را جادو کرد، و یا آنکه گفتند: «سحر القمر، سحر القمر» ماه را جادو کرد! برخی از آن‌ها گفتند: اگر شما را جادو کرده مردم شهرهای دیگر را که جادو نکرده! از آن‌ها بپرسید، و چون از مسافران و مردم شهرهای دیگر پرسیدند آن‌ها نیز مشاهدات خود را در دو نیم شدن ماه بیان داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۷: ۳۴۷). وحشی در هجای مولا فهمی او را نادان دانسته چرا که کسی که به انسانی که به جهت راستی نبوت خود شق القمر می کند ایمان نیابد جز نادان و سفیهی بیش نیست:

ای منکر حضرت رسالت  
انکار کسی که شق کند ماه  
سبحان الله زهی سفاقت  
از چیسست زغایست شقاوت  
برگشته کسی ز دین احمد  
اینست نهایت ضلالت

(۲۵۲)

و یاسروده:

نه در دستش همین شق القمر بود  
بهر انگشت از اینش صد هنر بود

(۴۳۸)

۳-۲- امام علی (ع):

نظر به جایگاه والای امام علی (ع) در نزد خداوند متعال و رسول خدا (ص) بسیاری از شاعران به مدح و ستایش شخصیت ایشان پرداخته اند و وحشی نیز اشعاری در ستایش آن بزرگوار دارد و در واقع بیشترین قصاید مدحی وحشی درباره اهل بیت به مدح امام علی (ع) تعلق دارد که می توان این مسئله را ناشی از تأثیرات مذهبی و اجتماعی

دوره صفویه دوره گسترش تشیع در ایران و گرایش شیعی وحشی مربوط دانست. وحشی در این قصاید به موضوعات مهمی از زندگی و شخصیت حضرت توجه داشته است که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

• **علم فراوان حضرت:**

زهی احاطه علم تو آنچنان که تو را ز نکته ای شده مکشوف سر چار کتاب

(۱۵۶)

و یا در چکامه ای دیگر سرود:

مسند آرای امامت علی عالی قدر والی ملک و ملل پادشه دین و دول

باعث سلسله هستی ملک و ملکوت عالم مسأله کلی ادیان و ملل

حکمتش گر به طبایع نظری بگشاید نتوان نام و نشان یافت ز امراض و علل

(۱۹۷)

• **ماجرای خیبر:**

حیدر صفدر، شه عنترکش خیبر گشای ۱۳-۱۵ شهریور ۹۲ دانشگاه زنجان سرور غالب، سر مردان امیر المؤمنین

(۲۱۲)

در این بیت به لقب آن حضرت «حیدر» نیز اشاره شده که مادر حضرت به ایشان نسبت دادند چنان که خود امام در بیته فرمودند: «أنا الذی سمتنی أُمی حیدره» (اصفهانی، ۱۴۱۴هـ ق، ۱۴).

• **لطف و بخشش:**

وحشی به بخشندگی و لطف امام علی (ع) نیز اشاره دارد:

اگر یابد خبیر از ریزش دست گهر بارش صدف دیگر ندارد کاسه پیش ابر درست

کجا کان لاف بخشش با کف جودش تواند زد چه داند رسم لطف و شیوه بخشش قهستانی

(۲۲۹)

چه او «بخشنده تر از ابرهای پرباران بهاری بود و در این میدان نیز هموردی برای او نمی توان سراغ کرد. شعبی در این باره گفته است: علی (ع) بخشنده ترین مردمان بود. معاویه سرسخت ترین دشمن آن حضرت، نیز گفته بود: اگر علی انباری پر از زر و اتاقی انباشته از گاه می داشت، پیش از آنکه گاه را ببخشد، زر را می بخشید. بیت المال را می رفت، در آن نماز می گزارد و می گفت: ای زرد و ای سپید (طلا و نقره) ! غیر از مرا بفریبید با آنکه بر همه امپراطوری اسلامی، به جز شام، فرمانروایی داشت، از خود میراثی بر جای نگذاشت» (امین، ۱۳۷۴، ۳: ۳۶).

• **مخالف علی در آتش جاودان است:**

مگر خیر شد ازین اهل کفر و طغیان را که فارغند ز بیم عقاب و خوف عذاب

که تا معاند او باشد و مخالف او به دیگری نرسد نوبت عذاب و عقاب

(۱۵۶)

در خطبه غدیر پیامبر اسلام (ص) این گونه فرمود: « خداوند بر خود حتم و لازم فرموده که با آن کسان که از فرمان علی(ع) سر بیچند، چنین رفتار کند و پیوسته تا جهان، باقی و روزگار، در کار است، ایشان را در شکنجه و عذابی سخت و توان فرسا معذب دارد» (خطبه غدیر).

در قصیده ای دیگر این گونه سروده است:

مخالف تو چنان تلخکام باد به دهر      که طعم زهر دهد در دهان او جلاب

(۱۵۷)

• اخلاق نیکو:

باشد از یباد عطر اخلاقش      که بر اینگونه شد معطر گل

(۱۹۷)

• علی (ع) مصداق آیه «انما»:

عموم مفسرین و محدثین مانند فخر رازی و نیشابوری و زمخشری و دیگران از ابن عباس و ابوذر و سایرین نقل کرده اند که روزی سائی در مسجد از مردم سؤال نمود و کسی چیزی باو نداد، علی (ع) که مشغول نماز و در حال رکوع بود با انگشت دست راست اشاره بسائل نمود و سائل متوجه شد و آمد انگشتش را از دست او خارج نمود و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» [مائده ۵: ۵۵] نازل گشت.

در آنحال رسول اکرم (ص) از سائل پرسید آیا کسی بتو چیزی داد؟ سائل ضمن اشاره به علی (ع) عرض کرد این انگشتش را او بمن داد (طبری، ۱۴۱۵ هـ: ۶: ۱۶۵، و اربلی، ۱۳۷۹، ۸۸). وحشی ضمن اشاره به این ماجرا این گونه سروده است:

به تاج «انما» گردد سرافراز      بدین افسر شود از جمله ممتاز

بر اورنگ خلفت جا دهندش      کنند از «انما» رایت بلندش

(۴۴۲)

• عدالت:

ز استقامت عدل تو در صلاح امور      رود شرارت فطرت برون ز طبع شراب

(۱۵۶)

از ویژگی های بارز شخصیت امام علی (ع) عدالت بی همتای اوست گویا در این عرصه بی رقیب است. نه تنها در گفتار سخنان پر نغزی در باب عدالت دارد در عمل و رفتار نیز الگوی همه عالمیان در راستای اجرای عدالت است. صادره اموال به یغما رفته، سهم مساوی خود و بنده اش، خاموش کردن چراغ بیت المال و ... تنها نمونه هایی از رفتارهای عادلانه آن حضرت (ع) هستند.

۳-۳- امام حسین (ع):

وحشی بافقی قصیده ای را به صورت کامل در رثای امام حسین (ع) سروده است؛ چه رثا از احساسی ترین اغراض شعری بوده و از عاطفه ای صادق و راستین سرچشمه می گیرد. امام حسین (ع) که بنابر حدیث معروف در همه دل ها جا داشته و شعله ای از محبت ایشان در دل ها وجود دارد مورد توجه بسیاری از شاعران در طول تاریخ قرار گرفته و ایشان اشعار بسیاری را در سوگ آن امام بزرگ سروده اند و عظمت مصیبت کربلا را گوشزد کرده اند.

از نکات اصلی و بن‌مایه‌های این قصیده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• **عظمت روز عاشورا و حادثه کربلا:**

چه در روایات بسیاری از حادثه شهادت امام حسین (ع) با تعبیر مصیبت بزرگ یاد شده است. برای نمونه ابن قولویه (م ۳۶۷ ق) محدث بزرگ شیعه در کتاب خود از امام باقر (ع) این عبارت را ذکر می‌کند که: «يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (۱۳۵۶، ۱۷۷).  
روزیست اینکه حادثه کوس بلازده‌ست کوس بلا به معرکه کربلا زده‌ست  
روزیست اینکه دست ستم، تیشه جفا بر پای گلبن چمن مصطفی زده‌ست  
روزیست اینکه بسته تتق آه اهل بیت چتر سیاه بر سر آل عبا زده‌ست  
(۲۵۲)

• **تشنگی اهل بیت (ع) در آن روز:**

روزیست اینکه خشک شد از تاب تشنگی زان چشمه‌ای که خنده بر آب بقا زده‌ست  
چه از گزارش‌های معتبر تاریخی، چنین به دست می‌آید که سه روز قبل از شهادت امام حسین (ع) دستوری از عبدالله بن زیاد از ابن‌قرار به عمر بن سعد ابلاغ شد: «بین حسین و آب، فاصله انداز و مگذار که قطره‌ای از آن بنوشند». او این عمل را نوعی انتقام در مقابل بستن آب بر عثمان تلقی کرد! (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ ق، ۳: ۱۰۸).  
(۲۵۳)

• **عزا پوش بودن عالم در روز عاشورا:**

روزیست اینکه کشته بیداد کربلا زانوی داد در حرم کبیریا زده‌ست  
امروز آن عزاست که چرخ کبود پوش بر نیل جامه خاصه پی این عزا زده‌ست  
(۲۵۳)

• **زهرا (س) صاحب عزای اصلی است:**

امروز ماتمی‌ست که زهرا گشاده موی بر سر زده ز حسرت و واحسرتا زده‌ست  
امروز آن عزاست که چرخ کبود پوش بر نیل جامه خاصه پی این عزا زده‌ست  
یعنی محرم آمد و روز ندامت است روز ندامت چه، که روز قیامت است  
این ماتم بزرگ نگنجد در این جهان آری در آن جهان دگر تیر این عزاست  
کرده سیاه حله نور این عزای کیست خیرالنسا که مردمک چشم مصطفاست  
(۲۵۳)

گریه فاطمه زهرا (س) بر مصیبت جانکاه امام حسین (ع) از همان روز تولد آن امام آغاز شده است چه در روایت آمده « چون حضرت حسین (ع) تولد یافت جبرئیل به رسول خدا (ص) نازل شد و خبر شهادت آن نوزاد را به پیامبر اکرم (ص) و پدر و مادرش داد و آنان از همان ایام برای حسین (ع) گریستند. طبق روایتی که از عایشه نقل شده است حسین (ع) کودک خردسال بود که وارد خدمت پیامبر گردید همان موقع جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) ابلاغ کرد: زمانی



نمی گذرد که این کودک را افرادی از امت تو در سرزمین «طف» از خاک عراق به قتل می رسانند «فیکی رسول الله (ص)» اما جبرئیل افزود: «لا تبک، فسوف ینقم الله منہم، بقائمکم اهل البیت» (مجلسی، ۱۴۰۳هـ.ق، ۳۶: ۳۴۹).

• **بی وفایی کوفیان نسبت به امام (ع):**

بنگر به نور چشم پیمبر چه می کنند  
این چشم کوفیان چه بلا چشم بی حیاست  
ای کوفیان چه شد سخن بیعت حسین  
و آن نامه ها و آرزوی خدمت حسین  
ای قوم بی حیا چه شد آن شوق و اشتیاق  
آن جد و همدرد طلب حضرت حسین  
از نامه های شوم شما مسلم عقیل  
با خویش کرد خوش الم فرقت حسین  
با خود هزار گونه مشقت قرار داد  
اول یکی جدا شدن از صحبت حسین

او را به دست اهل مشقت گذاشتید  
کو حرمت پیمبر و کو حرمت حسین  
ای وای بر شما و به محرومی شما  
افتد چو کار با نظر رحمت حسین

(۲۵۴)

خود امام حسین (ع) نیز روز عاشورا به این عهد شکنی و بی وفایی آنان اشاره کرد و فرمود: «وای بر شما ای کوفیان! زشت باد کارتان! ما را به یاری فرا خواندید، چون نزد شما آمدیم و ندایتان را پاسخ گفتیم، همان شمشیرها را که با ما هم قسم بود، به روی ما کشیدید» (موسوعه کلمات الامام الحسین، ۱۴۱۵هـ.ق، ۴۶۷).

• **اشاره به مصیبت حضرت زینب (س) و سخنان ایشان با رسول خدا (ص):**

سید بن طاووس می نویسد: آن گاه که امام حسین (ع) به شهادت رسید، زینب (س) فریاد زد: «یا مُحَمَّدَا! صَلَّی عَلَیْکَ مَلِیْکُ السَّمَاءِ هَذَا حُسَیْنٌ مُرْمَلٌ بِالْذَّمِّ مُتَقَطَّعُ الْاَعْضَاءِ وَ بِنَاتِکَ سَبَايَا، اِلَى اللّٰهِ الْمُسْتَتَکِی وَ اِلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَی وَ اِلَى عَلِیِّ الْمُرْتَضَی وَ اِلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ اِلَى حَمَزَةَ سَیِّدِ الشُّهَدَاءِ! یا مُحَمَّدَا! هَذَا حُسَیْنٌ؛ ای محمد! فرشتگان آسمان بر تو درود فرستند. این حسین است که آغشته به خون است و اعضایش قطع شده، و این دخترانت هستند که اسیر شده اند. به خدا و محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حمزه سید الشهداء شکایت می برم. ای محمد! این حسین است» (۱۴۱۷هـ، ۳۷). وحشی همین مضامین را در قالب شعر بیان داشته است:

یا حضرت رسول حسین تو مضطر است  
وی یک تن است و روی زمین پر ز لشکر است  
یا حضرت رسول ببین بر حسین خویش  
کز هر طرف که می نگرد تیغ و خنجر است  
یا حضرت رسول، میان مخالفان  
بر خاک و خون فتاده ز پشت تکاور است  
یا مرتضا، حسین تو از ضرب دشمنان  
بنگر که چون حسین تو بی یار و یاور است  
هیئات تو کجایی و کو ذوالفقار تو  
امروز دست و ضربت تو سخت درخور است  
یا حضرت حسن ز جفای ستمگران  
جان بر لب برادر با جان برابر است

ای فاطمه یتیم تو خفته‌ست و بر سرش نی مادر است و نی پدر و نی برادر است

(۲۵۴)

### ۳-۴- امام رضا (ع):

در توصیف و مدح امام رضا (ع) وحشی به لطف و مهربانی حضرت بیش از صفات دیگر اشاره دارد چه آن امام معصوم به رؤف اهل بیت (ع) شهرت دارد: (محقق، ۱۳۵۷، ۲۵)

گر نمی‌آید ز طوف روضه آل رسول  
چيست مهر آل کاورده است بر تومار گل

نخل باغ دین علی موسی بن جعفر را که هست  
باغ قدر و رفعتش را ثابت و سیار گل

نخل اگر از موم سازی در ریاض روضه‌اش  
گردد از نشو و نما سرسبز و آرد بار گل

گاه شیر پرده را جان می‌دهد کز خون خصم  
بر دمد سرپنجه او را ز نوک خار گل

گاه برون آورد خار ساکنی از پای سنگ  
گاه دست ناقه‌اش زد بر سر کهسار گل

گاه بهر مردم آبی ز خون اهرمن  
نقش ماهی را کند در قعر دریا بار گل

(۲۰۰)

و نیز به چگونگی به شهادت رسیدن آن یزرگوار اشاره داشته و این گونه سروده:  
ای که دادی دانه انگور زهر آلوده‌اش  
کشت کن اکنون به گلزاریکه باشد بار گل

با دل پر زنگ شو گو غنچه در باغ جحیم  
آنکه پنهان ساختش در پرده زنگار گل

(۲۰۱)

### ۳-۵- امام عصر (عج):

وحشی قصیده‌ای را در منقبت حضرت ولی عصر امام دوازدهم (عج) سروده است و به مطالبی اشاره کرده مانند:

#### • تنهایی و غربت مردمان در زمان غیبت حضرت (عج):

مردمان در زمان غیبت گویی در غربت و تنهایی به سر می‌برند، چه از دیدن امام خود محرومند و از این رو شاعر غیبت امام را باعث تنهایی مردمان دانسته و در نظر وی زمانه سر جنگ با مردمان داشته و تیر دشمنی را به سوی ایشان نشانه گرفته:

سپهر قصد من زار ناتوان دارد  
که بر میان کمر کین ز کهکشان دارد

جفای چرخ نه امروز می‌رود بر من  
به ما عداوت دیرینه در میان دارد

اگر نه تیر جفا بر کیمنه می‌فکند  
چرا سپهر ز قوس قزح کمان دارد

به کنج بی‌کسی و غربتم من آن مرغی  
که سنگ تفرقه دورش ز آشیان دارد

منم خرابه نشینی که گلخن تابان  
به پیش کلبه من حکم بوستان دارد

منم که سنگ حوادث مدام در دل سخت به قصد سوختنم آتشی نهان دارد

(۱۶۵)

• بخشش حضرت:

وحشی در ابیاتی بسیار زیبا با زبانی ساده بخشش و لطف امام در حق مردمان اشاره دارد با این که در پس پرده غیبت است:

دش که خنده به جود و عطای کان دارد کفش که طعنه به لطف و سخای بحر زند

به یک گدای فرومایه صرف می‌سازد به یک فقیر تهی کیسه در میان دارد

دری که گوهری بحر در دکان دارد زری که صیرفی کان به درج کوه نهاد

دهان کان زر انسدود بازمانده چرا اگر نه دامن چترش پناه مهر شود

ز بسا فتنه چراغش که در امان دارد اگر نه دامن چترش پناه مهر شود

هوای باغ جنان آن که در جهان دارد به راه او شکفتد غنچه تمنایش

(۱۶۶)

• انتظار و طلب ظهور:

در حدیثی از امام زمان وارد شده که فرمود: « واكثره الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلكم فرجکم » (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ: ۵۲: ۳۰)؛ چه دعا برای ظهور ایشان سفارش شده چون در فرج ایشان و ظهور حضرت فرج و گشایش کار مردمان نیز وجود دارد. وحشی شاعر گویا با نظر به این مضمون این گونه سروده است:

ترا کسی که چو در سر بر آستان دارد بود گشایش کار جهان به پهلویش

کسی که آرزوی روضه جنان دارد کلید حب تو بهر گشاد کارش بس

(۱۶۶)

• تصویر دوران ظهور و عدالت حضرت (عج):

در روایت های بسیاری تأکید شده دوران ظهور حضرت ولی عصر (عج) عدالت به صورت کامل اجرا می شود و همه بی عدالتی ها نابود می شود و ظلم و ستم ها از بین می رود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: « المهدی منی.. یملأ الأرض قسطا وعدلا کما ملئت جورا وظلما » (معجم أحادیث الإمام المهدی، ۱۴۱۱ هـ: ۱: ۱۲۶)، شاعر با نظر به این مضمون دوران ظهور حضرت را به تصویر کشیده و به عدالت آن دوران اشاره دارد:

رسید عدل تو جائی که زیر گنبد چرخ کبوتر از پر شهباز سایبان دارد

اگر اشاره نمایی به گرگ نیست غریب که پاس گله به سد خوبی شبان دارد

شها ز گردش دوران شکایتیست مرا که گر ز جا بردم اشک جای آن دارد

(۱۶۶)

### نتیجه:

از پژوهش در شعر وحشی بافقی جهت تبیین سیمای اهل بیت (ع) نکاتی چند آشکار شد که عبارتند از:  
- اشعار مدحی وحشی در مورد اهل بیت (ع) به مدح و ستایش پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، امام رضا (ع)، و امام زمان (عج) اختصاص دارد.  
- بیشترین قصاید مدحی به ستایش امام علی (ع) تعلق دارد. این امر می تواند به دلیل تأثیرات اجتماعی و مذهبی دوره صفویه دوره رواج تشیع در ایران باشد.  
- تنها یک قصیده در رثای امام حسین (ع) در دیوان وحشی به چشم می خورد.  
- در قصاید مدحی به ویژگی های آن بزرگان مانند عدالت، اخلاق نیکو، بخشش و لطف ایشان اشاره دارد.  
- در قصیده رثای امام حسین (ع) به عظمت مصیبت آن امام در کربلا، تشنگی، بی وفایی کوفیان اشاره دارد.  
- نکته قابل توجه در این مقاله آن که با بررسی اشعار وحشی این مسأله آشکار شد اگر چه وحشی بافقی با عرض ارادت خود نسبت به ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) ایشان را ستایش نموده ولی متأسفانه بر جنبه الگو بودن ایشان تأکید نشده و یا تقریباً شعری نیافتیم که توانسته باشد حق این موضوع را به طور کامل ادا کرده باشد.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- دانشنامه بزرگ اسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۷هـ). الملهوف علی قتلی الطفوف. تحقیق الشیخ فارس الحسّون. تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف اشرف: منشورات المكتبة المرتضویة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۹۰۸هـ لسان العرب. ۸ج. نسقه وعلق علیه علی شیری. بیروت: دار إحياء التراث.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۷۹). کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة. تصحیح سید احمد حسینی. قم: بی. ن.
- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۴۱۴هـ ق). مقاتل الطالبیین. منشورات الشریف الرضی.
- امین، سید محسن. (۱۳۷۴). سیره معصومان. ترجمه علی حجتی کرمانی. تهران: سروش.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷هـ ق). انساب الأشراف. بیروت: دار الفکر.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۶۴). ادبیات و تعهد در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شیخ صدوق. ۱۳۶۲. الأمالی. قم: انتشارات کتابخانه اسلامی.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۷). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۵هـ). تفسیر طبری. بیروت: انتشارات مؤسسه رسالت.
- طغیانی، اسحاق. (۱۳۸۵). تفکر شیعه و شعر دوره صفوی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر.
- عبادیان، محمود. (۱۳۷۹). انواع ادبی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (ع). (۱۴۱۵هـ ق). موسوعه کلمات الامام الحسین (ع). قم: دار المعارف.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار (ع). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محقق، سید علی. (۱۳۵۷). زندگانی پیشوای هشتم امام علی بن موسی الرضا (ع). قم: نسل جوان.

- معجم احاديث الامام المهدي (با همکاری گروهی از محققین). (۱۴۱۱هـ.ق). مؤسسه المعارف الاسلامی.
- وحشی بافقی، شمس الدین. (۱۳۷۳). دیوان وحشی بافقی. تهران: انتشارت فخر رازی.

